

*Bi-Quarterly specialized-  
scholarly journal Of Quranic  
Studies Light of Revelation Vol. 3,  
No. 5,  
Spring & Summer 2018  
P 131 - 153*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی  
س ۳ ش ۵ بهار و تابستان ۱۳۹۷  
صفحات ۱۵۳ تا ۱۳۱

### **مدل عمل صالح از منظر آموزه های وحیانی**

علی آقا صفری\*

#### **چکیده**

عمل صالح یکی از پرکاربردترین مفاهیم و دارای ابعاد گسترده‌ای در قرآن کریم است. عنایت قرآن به این مسئله تا آنجاست که به صورت‌های گوناگون به آن اشاره نموده است. با توجه به فراوانی کاربرد عمل صالح و مشتقات آن در قرآن کریم، اهمیت و نقش آن در رفتار، آثار و پیامدهای آن در قلمرو زندگی، عدم ارائه مدل علمی که فهم آن را تسهیل کند و انواع آن و نوع مطمح نظر آموزه‌های وحیانی؛ ضرورت انجام این پژوهش را چند برابر کرده است. پژوهشگر در این نوشتار پس از تبیین مفهوم عمل صالح و تفاوت آن با عمل غیر صالح، از نظر لغویون به بررسی مفهوم آن در قرآن کریم با استفاده از آراء مفسران پرداخته است. از آنجاکه هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه مدل از منظر قرآن کریم بوده است؛ نویسنده با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، بعد از مراجعه به متون اصلی لغت و آیات قرآن کریم، گام‌هایی اساسی همچون: جمع‌آوری داده‌ها، مستندسازی، دسته‌بندی، طبقه‌بندی، بازنگری و جمع‌بندی، را برداشته و در پایان

---

\*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره)؛ مدرسه عالی قرآن و حدیث، a.a.safari1364@gmail.com

بعد از تجزیه و تحلیل، دیدگاه لغویون، مفسران، و محققان قرآن پژوه، مدل عمل صالح از منظر قرآن کریم را ارائه نموده است. بنابراین محققان مدیریت رحمانی می‌توانند جهت کاربردی کردن آموزه‌های وحیانی و فراهم نمودن زمینه فهم و درک معارف و مقاصد وحیانی، به این یافته‌ها توجه نموده و بستر ببار نشستن داده‌های وحیانی را با ارائه مدل فراهم نمایند.

**واژگان کلیدی:** قرآن، عمل، صالح، عمل صالح، مدل.

#### مقدمه:

مطلوب آموزه‌های دینی همبستگی استواری میان ایمان و عمل صالح برقرار است. این دو از چنان ارتباطی محکم و ناگسستنی برخوردارند که فقدان هر یک، کارایی و تأثیرگذاری دیگری را کم اهمیت و یا بی‌ارزش می‌کند. از منظر قرآن انسان از لحاظ رو به نقصان و زوال بودن عمر و غلبه هوی و شیطان بر او همواره در معرض ضرر و زیان است مگر این‌که همراه با ایمان، عمل صالح و شایسته داشته باشد و همدیگر را به پیروی از حق و شکیبایی در گرفتاری‌ها و انجام اعمال درست سفارش کنند و عمر عزیز را که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی انسان است با انجام عمل صالح جهت کسب پاداش همیشگی صرف نمایند (بقره/۲۵، ۸۲، ۵۳، ۲۷۷؛ آل عمران/۵۷؛ نساء/۵۷، ۱۲۲؛ عصر/۳). در واقع از این منظر ایمان و عمل صالح دو بال پرواز بشر به مقام انسانیت و درک خلیفه‌اللهی و وصول به سرمنزل مقصود هستند.

با عنایت به اینکه عمل صالح بازتاب بیرونی ایمان واقعی و مطلوب آموزه‌های وحیانی بوده و تأثیر بسیار مشهود و چشم‌گیری در تربیت و پرورش نسل سالم و صالح داشته و مایه رشد، تکامل و تعالی بشر معرفی شده است؛ جا دارد که عنایت کتاب

آسمانی به آن که به صورت های گوناگون مانند «العمل الصالح» «عمل صالحاً» و «عملوا الصالحات» و «یعلمون الصالحات» و نظایر اینها وارد شده، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. تا مشخص شود که عمل صالح چیست؟ مصادیق عمل صالح چیست؟ فراوانی کاربرد عمل صالح و مشتقات آن در قرآن کریم برای چیست؟ چه آثاری بر عمل صالح مترتب است؟ مدل قرآنی عمل صالح چیست؟ اینها از جمله سؤالات هستند که نگارنده در این نوشتار، در پی پاسخ‌گویی به آنها است. البته لازم به ذکر است که رسالت اصلی پژوهش حاضر ترسیم جواب سؤالات ذکر شده در قالب نمودار و مدل می‌باشد تا زمینه کاربردی کردن داده‌های وحیانی فراهم گردد.

### مفهوم شناسی

مفهوم‌شناسی واژه در هر پژوهشی نقش کلیدی و اساسی را ایفا می‌کند، از این رو شایسته است که به منظور ورود به عرصه‌ی پژوهش، پیرامون موضوع، «عمل صالح» که ترکیبی وصفی بوده و از دو بخش «عمل» و «صالح» تشکیل یافته، از منظر لغویون و مفسران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### دیدگاه واژه شناسان

#### الف) عمل

راغب اصفهانی که از برجسته‌ترین محققان در عرصه‌ی غریب القرآن محسوب می‌شود، در تعریف واژه‌ی عمل این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «العَمَلُ: کلُّ فعل یكون من الحيوان بقصد، عمل هر کاری است که حیوان از روی قصد انجام می‌دهد، (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۵۸۷)، شرتونی از واژه شناسان برجسته‌ی معاصر نیز معتقد است: «عمل» به کاری اطلاق می‌گردد که از روی عقل و فکر انجام

شود، پس لاجرم با عمل و آگاهی همراه است (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ذیل ماده‌های «عمل» و «فعل»).

مصطفوی که یکی از مشاهیر اهل لغت بوده بعد از ذکر اقوال متعدد از کتب لغت در جمع‌بندی معنای «عمل» می‌گوید: «فالعَمَلُ: ما یكون واقعا فی الخارج من الفعل، إذا لوحظ من حیث هو واقع و متحقق» عمل عبارت است از آنچه در خارج واقع شده است و کاملاً به مرحله تحقق رسیده است اما فعل عبارت است از صدور عمل همراه با اختیار و قصد. و این عمل ممکن است از انسان، حیوان، جن و شیطان صادر شود و نیز ممکن است صالح باشد یا غیر صالح که دارای اثر طبیعی، جزایی و الهی می‌باشد. (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۸/ ۲۲۵).

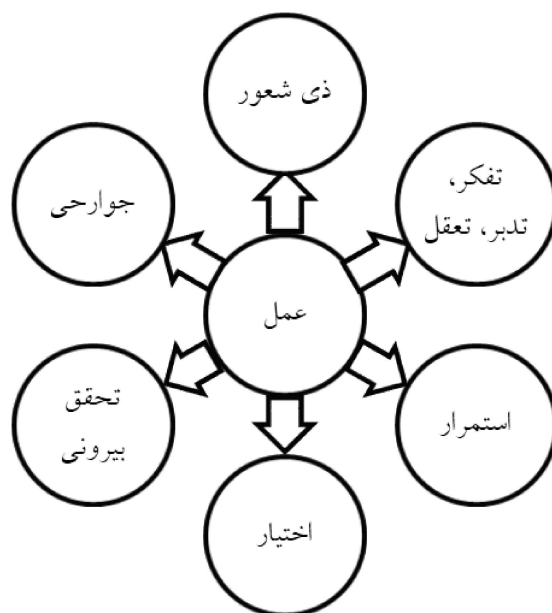
پس از این منظر عمل عبارت است از نتیجه و آثار یک کار که انسان یا حیوان با اختیار و از روی قصد انجام داده‌اند مثل اینکه انسان «گِلَّ» را تبدیل به آجر کند که به نتیجه و آثار که در خارج به وقوع پیوسته است عمل اطلاق می‌شود.

ابو هلال عسکری نیز همین دیدگاه را دارد و می‌گوید: «أَنَّ الْعَمَلَ إِيجَادُ الْأَثَرِ فِي الشَّيْءِ. یقال: فلان یعمل الطین خزفاً» (عسکری، الفروق اللغویه، ۱۴۱۲: ۳۷۷)، وی معتقد است که در زبان عربی می‌گویند: «فلان یعمل الطین حزناً» فلان شخص خاک را سفال می‌کند. بنابراین در واژه عمل عنایت اصلی تأثیر گذاشتن شخصی بر شیئی است، به گونه‌ای که پس از این تأثیر، شیء از حالتی به حالت دیگر تبدیل شود. اما در فعل این ملاحظه وجود ندارد. در قاموس القرآن راجع به معنای «عمل» چنین آمده است عمل یعنی کار. اعم از آنکه خوب باشد یا بد. خوب و بد بودن آن به وسیله قرینه معلوم می‌شود مثل «قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» (قصص/ ۱۵)، «گفت: این کار شیطان بود» «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/ ۱۰)، عبد الرزاق الحسینی مؤلف کتاب تاج

العروس راجع به معنای عمل می‌گوید: عمل به کاری گفته می‌شود که با تفکر و تدبیر انجام گرفته و استمرار کار را به همراه اختیار نیز در بردارد. (حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بی تا: ۳۰ / ۵۵-۱۸).

موسی الحسینی الکفوی می‌گوید: برخی از واژه شناسان راجع به معنای عمل چنین نظر دارند: «عمل» یعنی ترک یا انجام دادن چیزی است. مثلاً انسان چیزی را ترک می‌کند، در واقع خودش یک نوع عمل است و یا چیزی را انجام می‌دهد نیز خودش عمل است و عمل نسبت به افعال قلبی و جوارحی شمولیت دارد یعنی هم افعال قلبی مثل نیت، صداقت، اخلاص و... و هم شامل افعال جوارحی می‌شود مثل کارهای که انسان با قوه و نیروی جسمانی انجام می‌دهد. (الحسینی الکفوی، الکلیات فصل العین، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م: ۶۱۶).

از مجموع تعاریف لغویون به دست می‌آید که عمل در لغت به معنای کاری است که از حیوان ذی شعور، همراه با تفکر، تدبیر، تعقل، از روی اختیار سرزده، امتداد و استمرار را به همراه داشته و در خارج واقع شده و به مرحله تحقق رسیده باشد. در شکل (۱) مفاهیم عمل صالح از منظر لغت به نمایش درآمده است.



شکل ۱ مفاهیم عمل در لغت

#### ب) صالح

«صالح» از ریشه «صلاح» است. راغب اصفهانی در معنای لغوی این واژه می- نویسد: صلاح ضد فساد است و این دو در بیشتر موارد در خصوص افعال به کار می- روند. در قرآن کریم گاه در مقابل «فساد» و گاه در مقابل «سئیه» به کاررفته است. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۲۸۹) ابن منظور نیز «صلاح» را در لغت ضد فساد دانسته است. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۵۱۶) صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن در این باره می گوید: معنای ریشه‌ای و اصلی این واژه، سلامت از فساد و تباهی است. صلاح ضد فساد است. صلاح دربارہ- ی ذات، رأی یا عمل به کار می‌رود لکن بیشتر در عمل کاربرد دارد. (مصطفوی،

التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۰ش: ص ۳۰۷). ممکن است سؤال شود فساد چه است که صالح را به آن تعریف نموده‌اند. فساد در لغت به معنای: خروج شیء از اعتدال خواه کم باشد یا زیاد. «لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا» (قصص / ۸۳). در زمین برتری (خودپسندی) و تباهی اراده نمی‌کنند «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء / ۲۲). اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدا می بود آن‌ها از اعتدال و نظم خارج شده و تباہ می گشتند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۳۶) مصطفوی می‌گوید: و الفساد إمّا فی الوجود الخارجی: كما فی: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء/ ۲۲) «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (مؤمنون/ ۷۱) ای یوجد اختلال فی نظمهما، و تخرجان عن میزان الاعتدال. و إمّا فی الأعمال: كما فی «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» (بقره/ ۱۱) «قَالُوا أَوْ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره/ ۳۰) ای ایجاد الاختلال فی الأعمال و الإخلال فی الأمور. ثمَّ إِنَّ الإخلال إمّا فی قبال النظم التكوینی: كالقتل و التجاوز و الظلم و الكفر و الشرك و محاربة أهل الحقّ و تضييع الحقوق. و إمّا فی التشريعیات: كالإفساد و الإخلال فی الأحكام الإلهیة و القوانين الدینیة و المقررات الاسلامیة. «الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ» (فجر/ ۱۱-۱۲) «يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/ ۴) «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلاَفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا» (مائده/ ۳۳). مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۰ش: ج ۹، ص ۸۵)

## دیدگاه مفسران

علامه جوادی آملی درباره مفهوم عمل صالح در قرآن کریم می‌گوید: قرآن کریم به صراحت تعریفی از عمل صالح ارائه نداده، بلکه تنها بر مصادیق آن تکیه می‌کند، لیکن در یک بیان کلی می‌شود گفت: هر عملی که وحی الهی یا عقل سلیم و فطرت سالم به آن فرمان دهد، عمل صالح است؛ چنان‌که ترک آنچه وحی یا عقل و فطرت سلیم از آن نهی کرده نیز عمل صالح است؛ یعنی معیار صلاح عمل فقط دلیل معتبر، اعم از عقلی و نقلی است. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۶۶/۵)؛ صاحب تفسیر المیزان می‌نویسد: عمل صالح عملی است که سزاوار هست مورد قبول خدا واقع شود، چون مهر ذلت عبودیت و اخلاص به آن خورده، و چنین عملی اعتقاد حق را در مؤثر گشتن، یعنی در صعود به سوی خدا کمک می‌کند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۳/۱۷).

صاحب تفسیر روح المعانی می‌گوید: صلاح ضد فساد است و جامع همه‌ای خیرات و از برای او مراتب غیرمتناهی و بالاترین مرتبه کمال وجود دارد لذاست که انبیا در دعاهای خویش از خداوند متعال طلب عمل صالح می‌کردند همان‌طور که حضرت سلیمان می‌گوید: «وَأَدْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل/۱۹). (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۳۴۵/۱۰).

فخر رازی می‌گوید صلاح دلالت می‌کند بر کامل‌ترین و بالاترین درجات (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۳۲۰: ۳۳۴/۸)

شیخ طوسی در تعریف عمل صالح می‌نویسد: اعمالی است که خداوند به آن امر کرده و پیامبرانش را برای ابلاغ آن‌ها برانگیخته و فرستاده است. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴/۴۰۵) ابن کثیر نیز در تعبیری نزدیک به آن می‌نویسد: اعمال صالح اعمالی است که به واسطه‌ی مطابقت آن با شریعت محمدی ﷺ موجب خشنودی



خداوند متعال می‌گردد. طبرسی در تفسیر آیه ۴۲ از سوره‌ی اعراف می‌نویسد: مراد از صالحات اعمالی است که خداوند واجب کرده و بندگان خود را به انجام آن فرا خوانده است. (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶۴۸/۴).

### جمع‌بندی:

از مجموعه مطالبی که در بحث واژه «عمل» و واژه «صالح» ارائه شده در یک جمع‌بندی کلان می‌توان گفت: واژه‌ی «عمل» دارای دامنه‌ی گسترده بوده و ارباب لغت برای آن معناهای زیادی ذکر کرده‌اند و چنان‌که در شکل شماره یک به تصویر کشیده شد عمل به هر کاری اطلاق می‌شود که از حیوان ذی‌شعور، همراه با تفکر، تدبیر، تعقل، اختیار و استمرار سرزده و در عالم خارج واقع شود.

واژه‌ی «صالح» از ریشه «صلاح» و ضد فساد بوده و در قرآن کریم گزارش‌های زیادی به صورت‌های گوناگون وجود دارد که در کل یا در مقابل «فساد» و یا در مقابل «سیئه» به‌کاررفته است. فساد به معنای بیرون رفتن چیز یا فرد از حالت اعتدال می‌باشد، بنابراین عمل صالح به معنای سلامت از فساد و تباهی است. اگرچه در کلام وحی به عمل صالح توجه اساسی شده و یکی از پرکاربردترین مفاهیم و دارای ابعاد گسترده‌ای است؛ اما تعریف خاصی از واژه «عمل صالح» ارائه نشده و تنها مصداق‌های آن بیان شده است. در کل می‌توان گفت: معیار صلاح عمل فقط دلیل معتبر عقلی یا نقلی است و لذا هر عملی که وحی الهی یا عقل سلیم و فطرت سالم به آن فرمان دهد، عمل صالح است و نیز هر آنچه وحی یا عقل و فطرت سلیم از آن بازدارد از مصادیق عمل صالح است.

## مصادیق عمل صالح

شایان ذکر است که قرآن کریم به صراحت تعریفی از عمل صالح ارائه نداده، بلکه بر مصادیق آن تکیه کرده است. بنابراین برای تعیین مصادیق عمل صالح عقل کفایت نمی‌کند؛ زیرا عقل فقط بخش محدودی از خوبی‌ها و بدی‌ها را، آن‌هم به نحو کلی می‌تواند مشخص کند؛ نظیر بد بودن ظلم و دروغ و خیانت و خوب بودن صدق و عدل و وفا، اما بخش عمده خوبی‌ها و بدی‌ها و نیز جزئیات احکام کلی عقل را تنها وحی می‌تواند تعیین کند و وحی در تعیین جزئیات، اطاعت از اوامر و نواهی رسول خدا ﷺ را مطرح می‌کند: «...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...» (حشر/۷)؛ پس برای تحصیل شرط دوم عامل نجات، یعنی عمل صالح باید به قرآن کریم و رسول گرامی مراجعه کرد و رسول گرامی اسلام ﷺ عترت طاهرین (علیهم السلام) را عدل قرآن کریم معرفی کرده است. بنابراین، مرجع نهایی تشخیص صلاح و فلاح دلیل معتبر عقلی و نقلی است که نقلی آن به استناد قرآن و سنت معصومین (علیهم السلام) خواهد بود. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹: ۶۸/۵).

با این وجود جهت تبیین و تعیین مصادیق عمل صالح باید از محضر قرآن کریم و سنت بهره‌مند شویم.

قرآن کریم برای عمل صالح که از مظاهر و آثار اعتقاد کامل و واقعی بوده مصادیق فراوانی ذکر نموده است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

### تواصی به حق و تواصی به صبر

قرآن کریم در سوره «عصر» دو مصداق از مصادیق عمل صالح را ذکر کرده است عبارت‌اند از: تواصی به حق و تواصی به صبر. با توجه به اینکه «الصَّالِحَاتِ» در این

سوره جمعی است که با «ال» ذکر شده است، دلالت بر استغراق و عمومیت می‌نماید. یعنی شامل همه‌ی اعمال صالح می‌گردد. ذکر دو مصداق از مصادیق اعمال صالح پس از آن در اصطلاح ادبی ذکر خاص پس از عام است که هنگامی به کار می‌رود که گوینده اهتمام و عنایت ویژه‌ای به موارد خاص داشته باشد. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳۵۷/۲۰). لازم به ذکر است که جمله «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ» معنی بسیار وسیعی دارد که هم «امر به معروف و نهی از منکر» را شامل می‌شود، و هم «تعلیم و ارشاد جاهل» و «تنبیه غافل» و «تشویق» و «تبلیغ» ایمان و عمل صالح را. هم‌چنین جمله «وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» «صبر» در اینجا نیز معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می‌شود، و هم صبر در برابر انگیزه‌های معصیت، و هم صبر در برابر مصائب و حوادث ناگوار، و از دست دادن نیروها و سرمایه‌ها و ثمرات. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۰۲/۲۷).

#### اقامه نماز و پرداخت زکات

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۷۷ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...» کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آن‌هاست، و نه غمگین می‌شوند.

با توجه به عطف اقامه نماز و پرداخت زکات به «الصَّالِحَاتِ» که یک عطف خاص به عام بوده، دانسته می‌شود که اظهر مصادیق عمل صالح این دو عمل است. (طیب، أطيّب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۸: ۶۹/۳).

### تقابل عمل سیئه

قرآن کریم در موارد متعدد از آیات شریفه عمل صالح را در مقابل سئیه به کار برده است. « أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ » (جاثیه/۲۱)

آیا کسانی که مرتکب بدی‌ها و گناهان شدند گمان کردند که ما آن‌ها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند! همچنین در سوره‌های مؤمن / ۱۰ و ۸۵، نساء/۱۲۳، فصلت/۴۶، جاثیه/۱۵، و توبه /۲۱ نیز چنین تقابلی دیده می‌شود.

از تقابل میان «عمل صالح» و «عمل سیئه» چنین به دست می‌آید که حوزه معنایی عمل صالح وسیع و گسترده بوده و تمام اعمالی را که به‌دوراز هر بدی و زشتی و معصیت باشد در بر می‌گیرد.

### تحمل سختی‌ها در راه خدا

از دیگر مواردی که قرآن کریم آن را از مصادیق بارز عمل صالح دانسته تحمل سختی‌ها در راه خداست. به‌عنوان مثال می‌توان به این آیه شریفه اشاره کرد: «ما كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه/۱۲۰).

در این آیه شریفه به‌روشنی تصریح شده است که خداوند بر مجاهدان در راه خود در برابر سختی‌ها و رنج‌هایی که می‌کشند پاداش نیکویی خواهد داد. سپاهیان اسلام در راه خدا تشنگی و رنج و گرسنگی می‌کشند و قدم در سرزمین کفار می‌گذارند که

باعث خشم آن‌ها می‌شود و نیز از دشمن ضربه می‌خورند. هیچ‌یک از این‌ها را تحمل نمی‌کنند مگر اینکه برای آن‌ها به‌عنوان یک عمل صالح نوشته می‌شود و خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (جعفری، کوثر، بی‌تا: ۵۹۴/۴).

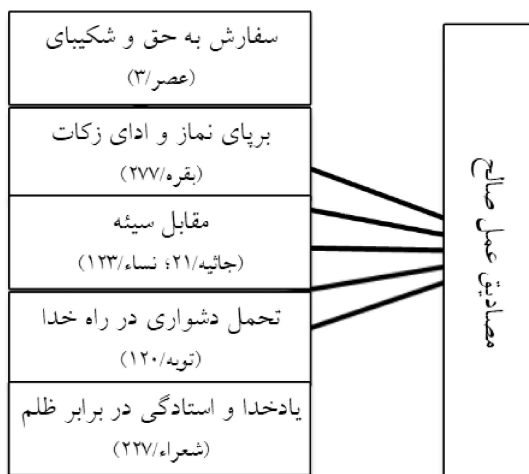
بنابراین با توجه به نص شریف این آیه مبارکه، می‌توان گفت که هر نوع سختی و مشقتی که انسان در راه خداوند متعال متحمل می‌شود، عمل صالح محسوب می‌گردد.

### یاد خدا و ایستادگی در برابر ظلم

قرآن کریم یاد خدا و ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و ستم را از مصادیق عمل صالح دانسته و فرموده است: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مَنَقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/۲۲۷). مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشان (و مؤمنان) برمی‌خیزند (و از شعر در این راه کمک می‌گیرند) آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست. در شکل (۲) مصادیق عمل صالح با توجه به آیات شریفه ترسیم شده است.

نمودار شکل (۲)

مهم و برجسته ترین  
مصادیق عمل صالح از  
منظر قرآن کریم



## آثار عمل صالح

با توجه به اهمیت و نقش شناخت آثار هر پدیده‌ای در شناخت بهتر و کامل‌تر آن، لازم است که مهم‌ترین آثاری را که عمل صالح به همراه دارد، در این بخش از مقاله مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ تا هم شناخت بهتر حاصل گردد و هم اینکه موجب تشویق و ایجاد انگیزه در مخاطبان جهت کسب این فضیلت حسنه و مطلوب شارع فراهم شود.

### بخشش گناهان و پاداش نیک

مهم‌ترین و اساسی‌ترین اثری که با توجه به آیات شریفه می‌توان برای عمل صالح ذکر نمود بخشش گناهان است. خداوند متعال در سوره عنکبوت آیه ۷ می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می‌پوشانیم (و می‌بخشیم) و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش می‌دهیم.

از این آیه شریفه دانسته می‌شود که ثمره عمل صالح اولاً عفو و محو گناهان بوده و ثانیاً پاداش نیکوتر از خود عمل. و خداوند متعال با قسم‌های که در «لَنُكَفِّرَنَّ» که مشتمل بر سه قسم است با قطعیت تمام این دو وعده را تضمین نموده است. (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۳۲۰: ۳۰/۲۵؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲: ۴۳۰/۸). بنابراین پاداش الهی، تنها عفو گناهان گذشته نبوده، بلکه دریافت بهترین پاداش نیز بوده است.

### تبدیل بدی به خوبی

خداوند متعال در قرآن کریم به توبه‌کنندگان و مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند وعده داده است که بدی‌های آن‌ها را تبدیل به حسنات می‌کند. «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ

آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُوثِّنِكَ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان/۷۰) با توجه به نص این آیه شریفه تبدیل سیئه به حسنه فهمیده می‌شود اما نکته که قابل تأمل بوده و موجب اختلاف آراء میان مفسران گردیده است مسئله چگونگی تبدیل سیئات به حسنات است. علامه طباطبایی ضمن رد وجوهی که از طرف مفسرین ذکر شده است، نظری را که در ذیل می‌آید تبیین کرده و پذیرفته‌اند: ایشان می‌گویند: مراد از «سیئات» آثار بدی است که گناهان و شرک در ذات مشرکان و در روح آنها قرار داده است. این آثار بد، لازم ذات آنها شده است که سبب عذاب در روز «يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق/۹) خواهد شد، اما چون مشرکان توبه کردند و ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند عذاب آنها مبدل به ذات پاک می‌شود که در آن ناپاکی وجود ندارد، در این صورت سیئات و آثار بدی که در ذات آنها بود مبدل به آثار خوب خواهد شد که متناسب با ذات پاک آنها باشد. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۴۲/۱۵).

#### پاداش بی کران و بی منت

پاداشی که خدای سبحان به مؤمنان، در بهشت مرحمت می‌کند ممنوع و مقطوع نیست: «لَا مَقْطُوعَةٌ وَلَا مَمْنُوعَةٌ» (واقعه/۳۳) نه از درون، مقتضی تمام می‌شود و نه از بیرون مانع می‌رسد عطایای بهشت، زوال‌ناپذیر است. (جوادی آملی، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، ۱۳۸۵: ۳۲۰/۸) خداوند متعال در آیات متعدد به این امر اشاره فرموده است که از آنها می‌توان به این آیه شریفه اشاره نمود: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (تین/۶) ممنون از ماده «من» به معنی قطع یا نقص است بنابراین «غیرممنون» یعنی پیوسته و بدون نقص (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۴۵/۲۷).

احتمال دیگری که ذکر کرده‌اند همان پاداش بدون منت است. (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۱۳/۳۲). علی‌ای حال نکته مهم این است که عمل صالح، پاداش دائمی و بدون منت را به همراه دارد.

### زندگی پاک و سالم

لغویون طیب را به معنی پاک، حلال و آنچه مطلوبیت داشته و از آلودگی ظاهری و باطنی مبرا بوده معنی کرده‌اند، نقطه مقابل آن «خبث» را دانسته‌اند؛ یعنی چیزی که ظاهراً و با طنا آلوده و فی‌نفسه مایه اکراه است. (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۴۶۱/۷؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۰: ۱۵۰/۷). مفسران با توجه به اینکه طیب در قرآن به همراه «حلال» ذکر شده است «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالاً طَيِّباً» (بقره/۱۶۸)، آن را به پاکیزه تفسیر کرده و گفته‌اند: به چیزهای پاکیزه گفته می‌شود که موافق طبع سالم انسانی است، نقطه مقابل «خبیث» که طبع آدمی از آن تنفر دارد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۶۹) مثل کلمه طیب، که به معنای آن سخنی است که گوش را از شنیدنش خوش آید و عطر طیب که به معنای آن عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و مکان طیب یعنی آن محلی که باحال کسی که می‌خواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۴۱۷/۱).

قرآن کریم درباره پاداش کسی که عمل صالح انجام می‌دهد می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...» (نحل/۹۸) علامه طباطبایی در تفسیر «حیات طیبیه» می‌فرماید: حیات به معنی به چیزی جان دادن است. پس این جمله به‌صراحت دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی که عمل صالح انجام دهد را به حیات جدید غیراز آن حیاتی که به دیگران داده، زنده می‌کند. مراد این نیست که حیاتش



را تغییر می‌دهد و مثلاً حیات خبیث او را به حیات طیّبی مبدل می‌کند که اصل حیات همان حیات عمومی است، با این تفاوت که صفتش را تغییر داده است. زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود بفرماید: ما حیات او را طیب می‌کنیم. اما چنین نفرمود: بلکه فرمود: ما او را به حیات طیب زنده می‌سازیم... پس معلوم می‌شود خداوند حیاتی ابتدایی و جداگانه و جدید به او افاضه می‌فرماید. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۴۱).

بعضی از مفسرین قائل به عدم حیات طیب در این جهان شده و با استناد به آیات ۱۵۴ بقره و ۱۶۹ آل عمران، تصریح کرده‌اند که حیات طیب در این دنیا خلاف ظاهر بلکه نص آیه شریفه است این گروه معتقد به وقوع حیات طیبه در آخرت هستند. از مجاهد، قتاده، ابن زید و حسن روایت شده که حیات طیبه همان زندگی در بهشت است؛ زیرا بهشت، حیاتی است که مرگ، فقر، بیماری، هلاکت و شقاوت در آن راه ندارد. (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۶۸؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۷ / ۶۲۲؛ فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۳ / ۲۹۶).

به نظر می‌آید با توجه به اینکه در ادامه آیه شریفه تعبیر به جزای احسن شده است اشکالی نداشته باشد که قائل به حیات طیب در این جهان نیز باشیم چنان‌که دیدگاه قاطبه ای از مفسران نیز همین است و برخی در تفسیر حیات طیبه گفته‌اند: نتیجه عمل صالح مولود ایمان در این جهان، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود، و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۳۸۹).

### نفوذ بر دل‌ها

با توجه به اینکه انسان مدنی بالطبع بوده و طالب زندگی اجتماعی است دوست دارد که در جامعه مورد پذیرش واقع شود و دیگران او را دوست داشته باشند. هنگامی که احساس کند که دوست‌داشتنی و مورد تکریم و تعظیم نیست، احساس بدبختی و تیره‌بختی می‌کند.

خداوند متعال راه محبوب واقع شدن و نفوذ در دل‌ها را در آیه شریفه ذیل به خوبی تبیین نموده و فرموده که محبوب دیگران واقع شدن در گرو ایمان و عمل صالح است «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶). مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد!

ممکن است که سؤال پرسیده شود که چرا ایمان و عمل صالح موجب محبوب شدن در دل‌ها می‌شود که در جواب به این پرسش می‌توان گفت: ایمان و عمل صالح جاذبه و کشش فوق‌العاده‌ای دارد، اعتقاد به یگانگی خدا و دعوت پیامبران که بازتابش در روح و فکر و گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالیّه انسانی، تقوا و پاکی و درستی و امانت و شجاعت و ایثار و گذشت، تجلی کند، همچون نیروهای عظیم مغناطیس کشیده و رباینده است. حتی افراد ناپاک و آلوده از پاکان لذت می‌برند، و از ناپاکانی همچون خود متنفرند، به همین دلیل هنگامی که فی‌المثل می‌خواهند همسر یا شریکی انتخاب کنند تأکید دارند که طرف آن‌ها پاک و نجیب و امین و درستکار باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۴۶/۱۳) بنابراین با توجه به اینکه در آیه قیدی ذکر نشده که آن را تخصیص بزند نتیجه گرفته می‌شود که عمل صالح موجب تحصیل و کسب محبت دیگران در دنیان و آخرت می‌گردد.

## برآوردن نیازها

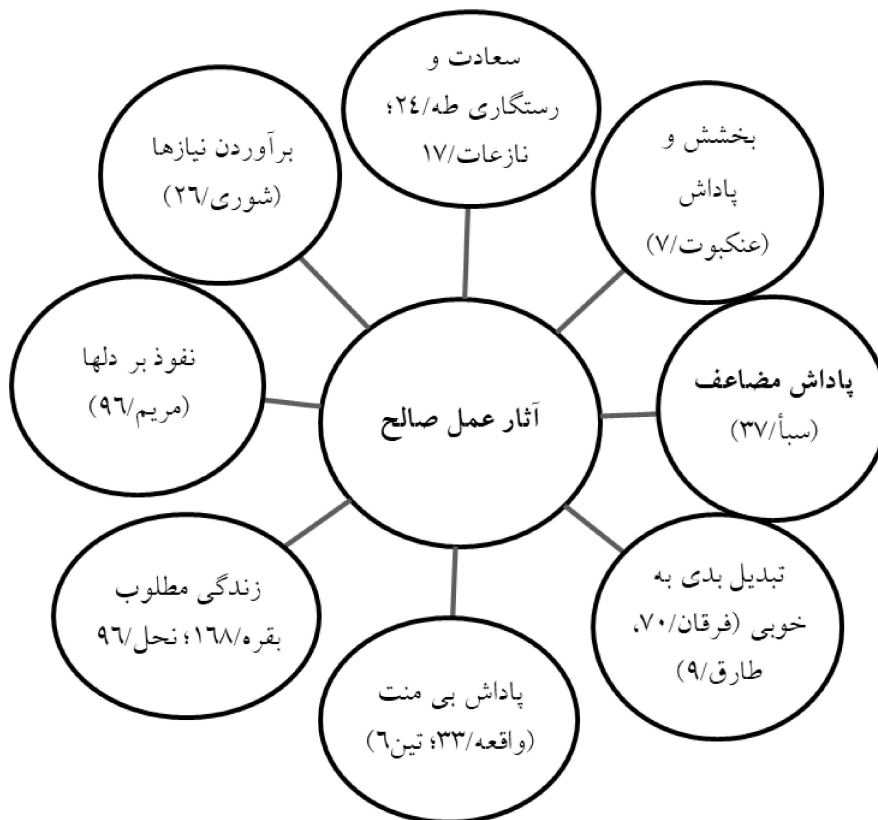
یکی دیگر از آثار و پیامدهای بسیار خوب و شایسته عمل صالح، استجابت دعا است. خداوند متعال در سوری شوری می‌فرماید: «وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (شوری/۲۶) و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند می‌پذیرد و از فضل خود بر آنها می‌افزاید اما برای کافران عذاب شدیدی است.

مراد از استجابت، اجابت دعاست و چون عبادت خود نوعی دعوت و خواندن خداوند متعال است، لذا خداوند از قبول عبادت آنان به استجابت تعبیر فرمود. به دلیل آنکه در ادامه فرمود: «ویزیدهم من فضله» چون ظاهر این جمله آن است که مراد از زیادت‌تر کردن فضل خدا، زیاد کردن ثواب باشد و نیز از اینکه در مقابل استجابت مؤمنین فرمود: و کافران عذابی شدید خواهند داشت. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۵۱/۱۸).

برخی مفسران راز استجابت دعا را چنین بیان کرده‌اند: رابطه روح با جهان طبیعت، مانند پیوند روح با بدن است: همان‌گونه که افکار و خاطرات روح فرد عادی بر بدن خود اثر می‌گذارد، اگر روح توانا شود، بر کل نظام طبیعت اثرگذار خواهد بود. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۴۱۷/۹) بنابراین شخصی که ایمان آورده و عمل صالح و خالص انجام داده این شرایط را دارد پس یقیناً دعایش مستجاب می‌گردد.

از دیگر آثاری که قرآن برای عمل صالح ذکر نموده و تفصیل آن‌ها از وسع این نوشتار خارج است، می‌توان به خلافت در زمین (نور/۵۵)، رفع ترس‌های قیامت (طه/۱۱۲)، پاداش مضاعف (سبأ/۳۷)، رستگار و سعادت (بقره/۸۲)، بشارت به بهشت

(بقره/۲۵) برکات الهی (حج/۵۰) و... اشاره کرد. در شکل (۳) آثار عمل صالح با توجه به آیات شریفه به تصویر کشیده شده است.



«نمودار شکل (۳) مهم ترین آثار عمل صالح در قرآن کریم»

## نتیجه

از مجموع مطالب این پژوهش به‌طور کلی برآیندهای زیر به دست می‌آید: «عمل» دارای دامنه‌ی گسترده بوده و به هر کاری اطلاق می‌شود که از حیوان ذی‌شعور، همراه با تفکر، تدبیر، تعقل، اختیار و استمرار سرزده و در عالم خارج واقع شود. واژه‌ی «صالح» از ریشه «صلاح» و معنای آن ضد فساد است، کلمه‌ی صالح در قرآن کریم به صورت‌های گوناگون بیان شده و در کل یا در مقابل «فساد» و یا در مقابل «سینه» به‌کاررفته است. در کلام وحی به عمل صالح عنایت خاص شده و یکی از پرکاربردترین مفاهیم در ادبیات قرآن است. با توجه به این‌که معیار صلاح یا فساد عمل دلیل معتبر عقلی یا نقلی است هر عملی که وحی الهی یا عقل سلیم و فطرت سالم به آن فرمان دهد و یا هر آنچه وحی یا عقل و فطرت سلیم از آن بازدارد از مصادیق عمل صالح است. برای عمل صالح آثار سازنده‌ی فراوانی وجود دارد مهم‌ترین آن‌ها بخشش گناهان و دادن پاداش نیک، تبدیل بدی‌ها به خوبی، اعطای زندگی پاک و سالم، نفوذ بر دل‌ها و برآورده شدن نیازها است.

## منابع

قرآن کریم.

- أبو البقاء أيوب بن موسى الحسيني الكفوي (١٤١٩هـ - ١٩٩٨م)، الكليات، فصل العين، مؤسسة الرسالة، بيروت، تحقيق: عدنان درويش محمد المصري.
- أبو هلال العسكري (١٤١٢)، الفروق اللغوية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، شوال المكرم.
- آلوسی، سید محمود (١٤١٥ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ١.
- جعفری، یعقوب (بی تا)، تفسیر کوثر، بی جا.
- جوادی آملی، عبد الله (١٣٨٥)، سیره رسول اکرم در قرآن، قم، مؤسسه اسراء، چاپ پنجم.
- \_\_\_\_\_ (١٣٨٩)، تسنیم، قم، مؤسسه اسراء، ج ٥.
- حسینی، محمد بن عبد الرزاق، تاج العروس من جواهر القاموس، الناشر دار الهدایة [بی جا] و [بی تا]
- رازی، فخر الدین (١٤٢٠ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ٣.
- راغب اصفهانی حسین بن محمد (١٤١٢ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین (١٤١٧ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ج ۲.

فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ج ۲.

مصطفوی حسن (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر ۱۳۶۰ش.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ج ۱.